



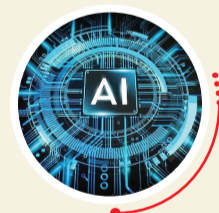
کاهش سرعت اینترنت موبایل

طبق گزارش اسپدنتست، سرعت اینترنت ثابت در ایران به ۱۴/۲۳ مگابیت بر ثانیه و سرعت اینترنت موبایل به ۳۵/۶۶ مگابیت بر ثانیه رسیده است. دیجیاتو ضمن اعلام این خبر نوشت، اسپدنتست ماهانه گزارشی درباره سرعت اینترنت ثابت و موبایل در جهان و کشورهای مختلف منتشر می کند و حالا طبق جدیدترین گزارش آن برای ماه آوریل ۲۰۲۴، سرعت اینترنت موبایل در ایران کاهش و سرعت اینترنت ثابت افزایش یافته است. براین اساس در گزارش اسپدنتست برای ماه آوریل ۲۰۲۴، میانگین سرعت اینترنت ثابت و موبایل در دنیا نسبت به گزارش قبلی به ترتیب افزایش و کاهش یافته اند. سرعت اینترنت موبایل ایران در جدیدترین گزارش اسپدنتست کاهش داشته و از ۳۶/۱۶ مگابیت بر ثانیه در مارس ۲۰۲۴، به ۳۵/۶۶ مگابیت بر ثانیه کاهش یافته است. علاوه بر این رتبه کشورمان هم کاهش یافته و حالا در رتبه هفتادوشم جهان قرار داریم.



اعلام نام رئیس هیئت داوران فیلم توکیو

بازیگر برنده شیرطلایی ونیز به عنوان رئیس هیئت داوران جشنواره فیلم توکیو ۲۰۲۴ انتخاب شد. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از اسکرین نوشت، تونی لیانگ، بازیگر چینی-هنگ کنگی، رئیس هیئت داوران بخش مسابقه بین المللی سی وهفتمین دوره جشنواره بین المللی فیلم توکیو (TIFF) شد. این بازیگر ۶۱ ساله سال ۲۰۰۰ برای بازی در فیلم «در حال و هوای عشق» ونگ کاروای، برنده جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره کن شد. ارتباط لیانگ با جشنواره فیلم توکیو به سال ۲۰۰۰ بازمی گردد، زمانی که فیلم «در حال و هوای عشق» در بخش نمایش ویژه سیزدهمین دوره جشنواره به نمایش درآمد. لیانگ از زمان شروع فعالیت هنری خود در دهه ۱۹۸۰ در بیش از ۱۰۰ فیلم بلند بازی کرده که ۳ فیلم از این میان برنده شیر طلایی ونیز شده است. سی وهفتمین دوره جشنواره بین المللی فیلم توکیو از ۲۸ اکتبر تا ۶ نوامبر (تا ۱۶ آبان ماه) برگزار می شود.



اولین معاهده بین المللی هوش مصنوعی

شورای اروپا رسماً معاهده بین المللی و قانونی «کنوانسیون چارچوب هوش مصنوعی و حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون» را در رابطه با استفاده مسئولانه از هوش مصنوعی تصویب کرد. سند تصویب شده برای تمام ۴۶ کشور عضو شورا لازم الاجراست و با آن، رویکردی مبتنی بر کنترل ریسک برای طراحی، توسعه، استفاده و کارانداختن سیستم های هوش مصنوعی اتخاذ خواهد شد. در این رویکرد همچنین هرگونه پیامدهای منفی بالقوه استفاده از سیستم های هوش مصنوعی بررسی می شود. پیش از این پارلمان اروپا قانون هوش مصنوعی (AI Act) را با اکثریت آراء تصویب کرده بود اما سند تصویب شده توسط شورای اروپا تفاوت هایی با آن دارد. برخلاف قانون تصویب شده توسط اتحادیه اروپا، کشورهای غیر عضو هم می توانند این سند را امضاء کنند. حدود ۱۱ کشور عضو شورا نیستند در تهیه پیش نویس این کنوانسیون شرکت کردند که شامل آرژانتین، ژاپن، ایالات متحده و اروگوئه می شوند.



نگاه کارگردان بخش دوم

گفت و گو با حسن فتحی درباره «مست عشق»

کوزه ای آب از دریای مولانا برداشتم

رضا صائمی

خبرنگار گروه فرهنگ

در بخش دوم گفت و گو با حسن فتحی از تصویر مولانا، دوبله و موسیقی فیلم، رابطه شمس و مولانا و تاثیرات روانی و پیام های معنوی «مست عشق» گفتیم. شاید یکی از مهمترین فرازهای این گفت و گو درباره تصویری است که از مولوی در فیلم می بینیم؛ تصویری که خیلی ها با نقدهای تندی هم مواجه شد که تصویر این مولانا، شمایل و تصویر اسطوره ای او را به نمایش نمی گذارد. فتحی اما می گوید آن مولانای اسطوره ای که در اوج پختگی قرار داشته، مولانای پس از رفتن شمس است اما در فیلم با مولانایی مواجه هستیم که تازه با شمس آشنا شده و در آستانه یک تحول عظیم قرار دارد. این گفت و گو را بخوانید تا با ابعاد بیشتری از ذهنیت کارگردان «مست عشق» از مولانا و روایتش از او آشنا شوید.

از زیبایی و فرم و ضرورت بهره گیری از آن در خلق معنا صحبت کردید، آیا جای این نگرانی را هم دارد که نکند معنا و محتوا فدای فرم و زیبایی شود و مخاطب آنقدر مجذوب زیبایی شود که درک معنا را از دست بدهد؟

به نظر من در هنر، فرم و محتوا درهم آمیخته است و از دیالکتیک آنهاست که معنا خلق می شود. شمارا از جایی دهم به خبری که حدود ۱۰ سال پیش مطرح شد و خیلی سروصدا کرد؛ خبر این بود که آقای دی کاپریو در فیلمی که قرار بود درباره مولانا ساخته شود، نقش مولوی را بازی کند. اگر آقای دی کاپریو به عنوان بازیگری خوش تیپ نقش مولانا را بازی کند، اشکال ندارد ولی اینجا اگر پارسا پیروزفر نقش مولانا را بازی کند، اشکال دارد! این چه منطقی است؟ این چه نوع نگاه و قضاوتی است؟ به نظر من این یک جور خودپروانگری است که اگر یک اتفاق خوبی در سینمای ما بیفتد، ما به جای اینکه آن را به فال نیک بگیریم، آماج هجمه های مختلف قرار دهیم. این برخورد های مطلق گرایانه مانع از پیشرفت و تکامل در مسیر فیلمسازی می شود که تلاش می کنند بین سینما با ادبیات و فرهنگ و میراث فرهنگی این سرزمین پیوند برقرار کنند. گرچه معتقدم جریان فرهنگ و هنر معطل ندهای مغرضانه نمی شود و از حرکت باز نمی ایستد. من امیدوارم حرکتی که با ساخت «مست عشق» در سینمای ایران شروع شد، توسط فیلمسازان جوان ما که بسیار توانمند و با استعداد هستند ادامه پیدا کند و فیلم هایی به مراتب جذاب تر، جدی تر و تاثیرگذارتر بسازند. کاش نقدها و قلم ها بتوانند به هموار شدن این مسیر کمک کنند.

از جمله نقدهایی که صورت گرفته این است که چرا مولانا آنقدر زیر سایه شمس است و شاید برای همین است که برخی معتقدند، کاراکتر مولانا آن جذاب و کاریزمای لازم را ندارد.

ببینید ما مبنای تصویرسازی مان از رابطه شمس و مولانا براساس منابع و مآخذی است که اشاره کردم و صدا البته تصویری که مولانا در غزلیات شمس از این چهره مر موز ارائه می کند. در واقع این توصیفات مولانا از شمس در اشعارش بود که به ما کمک کرد تا به تصویری از شمس و خود مولانا برسیم. ماتحت تأثیر این توصیفات، رابطه این دورا نمایش دادیم. آن مولانایی که مشهور و محبوب می شود و تصویر ما از او شاعر و عارفی بزرگ با مقام و جایگاهی رفیع است و به قول شما شخصیت کاریزماتیکی پیدا می کند، مولانای پس از رفتن شمس است. ما آن مولانا را ترسیم نکردیم. ما

مولانایی را ترسیم کردیم که تازه با شمس آشنا شده بود و در آستانه یک تحول و دگرگونی بزرگ بود. این نکته مهمی است که برخی منتقدان به آن توجه نکرده اند!

در واقع با مولانایی مواجه هستیم که فقیه بوده و هنوز به مقامات بالای عرفان دست نیافته است. در واقع مولانایی که به واسطه آشنایی، معاشرت و مناظره با شمس در حال پوست اندازی است.

دقیقاً همینطور است! مشکل اساسی این گروه از منتقدان این است که می خواهند شمس و مولانا را منتزع از شرایط تاریخی شان تحلیل کنند به همین دلیل خیلی انتزاعی به موضوع نگاه می کنند. یکی از افت های بزرگ در قضاوت های اجتماعی و انسانی راجع به افراد یا شخصیت ها همین است که تحلیل ها و قضاوت ها تاریخمند نیست. شان تاریخی ندارد و چارچوب ها و پارادایم های تاریخی را در نقد و داوری خود لحاظ نمی کنند. ما یک برشی از زندگی شمس و مولانا را روایت کردیم؛ آن هم زمانی که هنوز مولانا به این مقام و منزلتی که در ذهن ماست، نرسیده بود و تازه در آستانه این تحول و آغاز این راه بود. ما مولانای سال ها پس از رفتن شمس را که به اوج پختگی می رسد و به جایگاه عرفانی عالمگیری در شعر و ادب می رسد، به تصویر کشیدیم. اگر هم رابطه مراد و مریدی بین شمس و مولانا را ترسیم کردیم، محصول تخیل ما نیست؛ این رابطه وجود داشته و از متون، منابع و توصیفات خود مولانا در آثارش برداشته شده است. این بازی ای که پارسا پیروزفر در شمایل مولانا به نمایش گذاشته، کاملاً آگاهانه است. شخصیت مفولک یعنی چی؟ این چه ادبیاتی است؟ او مولانایی است که مسحور و واله افکار، اندیشه ها و شخصیت شمس تریزی شده است.

در واقع می توان گفت او مرعوب شخصیت شمس شده، نه اینکه مفولک باشد.

همینطور است و بعدها می بینیم که در اشعارش هم چه توصیف های خداگونه ای از شمس می کند. ماترکیبی از مستندات آمده در منابع و توصیفات شاعرانه مولانا و نیز تخیلی مقرون به واقع را مبنای شخصیت پردازی مان قرار دادیم و پارسا پیروزفر هم خیلی آگاهانه این موقعیت و شخصیت را بازی کرده است، وگرنه می توانست جور دیگری بازی کند. این نکته را هم اضافه کنم



که مولانا حوالی ۴۰ سالگی است که با شمس مواجه می شود و ۴۰ سالگی برای اغلب افراد، دوران بحران وجودی غربی است؛ مقطعی از زندگی که به قول روانشناسان بحران میانسالی به اوج خود می رسد. در دل همین بحران است که انگار مولوی گمگشته خود را در شمس پیدا می کند. ای بسا اگر مولانا مثلاً ۲۰ سالش بود و شمس را می دید، این اتفاق نمی افتاد. اما این اتفاق در ۴۰ سالگی و به موازات بحران میانسالی مولوی رخ می دهد و گویی او از لحاظ روحی و روانی آماده است تا یک چنین پتانسیل و انرژی عظیمی به اسم شمس وارد زندگی او شود، انقلابی درونی و تحولی بزرگ در او ایجاد کند، آن اتفاق شگرف رقم بخورد و مولانای فقیه و واعظ به مولانای شاعر، عارف و حکیمی بدل شود که آوازه ای جهانی پیدا کند.

شما از بحران میانسالگی و آشنایی مولانا با شمس در ۴۰ سالگی گفتید و من ذهنم فلان یک خورد به فیلم «هامون» و رابطه حمید هامون با علی عابدینی که اتفاقاً هامون هم درگیر بحران میانسالی و عرفان بود.

بله. خیلی نزدیک است؛ مرحوم مهرجویی هم با اندیشه های عرفانی انس و الفتی داشت که رد آن در بسیاری از آثارش پیداست. شاید تحت تأثیر همین رابطه شمس و مولانا، رابطه هامون و علی عابدینی را ترسیم کرده است.

کمی هم به شمس پیردازیم. از جمله نقدها یا پرسش هایی که درباره شخصیت و شمایل شمس در «مست عشق» می شود، کرامات و معجزاتی است که در او می بینیم؛ مثلاً خشک بودن کتاب هایی که در آب می اندازد یا به واسطه انرژی اش مانع از ضرب پرتختر به خود می شود.

در متون و کتاب هایی که درباره شمس تریزی است، چند چشمه از کرامات او روایت شده است. من فکر می کردم اشاره کوتاهی به این کرامات در فیلم می تواند بر جذابیت آن بیافزاید. به نظر من موضوع این قسم کرامات را باید از خرافه ها و موهوماتی که وجود دارد جدا کرد. در کتاب پرورش «جهان هولوگرافیک» ترجمه مرحوم مهرجویی، نویسنده در فصلی از آن در توضیح مطلبی، درباره شخصیت سای بابا صحبت می کند که صاحب کرامات عجیب بوده؛ از جمله اینکه دست خالی اش را باز می کرده و هدیه ای ارزشمند را به مهمانانش می داده. قانع نشدم و فیلم مربوط به آن را تماشا کردم و دیدم این اتفاق می افتد. اینکه چه قانون فیزیکی ای حاکم است، نمی دانم اما مطمئنم که روزی علم برای این اتفاقات و کرامات پاسخی علمی و عقلی خواهد داشت. به هر حال گزارش ها حاکی از این است که این کرامات حتی در جهان امروز هم وجود دارد و منابع تاریخی از وجود چنین کراماتی در شمس تریزی نوشته است. منتها در اخلاقیات عرفانی قانونی وجود دارد که اهل کرامات را از اینکه به نفع امیال یا منفعت شخصی و نفسانی خود از این قدرت استفاده کنند، منع می کند!

من فکر می کنم حتی اگر این کرامات نبود با نشان داده نمی شد هم شمس واجد چنان شخصیت کاریزماتیکی و معرفتی است که به واسطه حکمتش مولانا را تحت تأثیر خود قرار می داد. در واقع قرار است که شمس با کلام و منطقش بر مولانا تأثیر بگذارد، نه سحر و کراماتش.

شاید حتی با شما باشد اما ما نگران بودیم از لحاظ سینمایی و زمان رولانی ممکن است پرداخت بیشتر به آن، مخاطب را خسته کند. این دغدغه شاید به این نکته برمی گردد که یکی از مهمترین مؤلفه هایی که باید در ساخت فیلم های تاریخی و عرفانی و نقد آنها توجه داشته باشیم، دراماتیزه کردن موقعیت ها و شخصیت هاست که قواعد و مقتضیات خاص خودش را دارد. اگر این دیدار و